

به لحاظ تاریخی، همه حرفه‌هایی که از پایداری و اقبال برخوردار بوده‌اند، مجموعه‌ای از اصول کاری و اخلاق حرفه‌ای دارند. یکی از حرفه‌هایی که در طول تاریخ مطرح بوده است، حرفه معلمی است. در طول تاریخ انبیا و اولیای الهی، نه تنها به رعایت اخلاقیات سفارش کرده‌اند، بلکه به‌عنوان معلم همه بشریت، خود را به رعایت اخلاقیات ملزم می‌کرده‌اند. معلمان نیز در جامعه برای انجام رسالت خود مسئولیت‌های



اخلاقی خاصی دارند که در حوزه اخلاق حرفه‌ای جای می‌گیرد.

معلم در جامعه نقش بسیار مهمی دارد و آن تربیت نسل هاست. لذا نحوه عمل او در موقعیت‌های گوناگون می‌تواند تعیین‌کننده و اثرگذار باشد. این حرفه مهم در جامعه

نیز همانند بسیاری از حرفه‌ها نیاز دارد که با اخلاقیات مربوط به حرفه خویش آشنا باشد تا بداند در موقعیت‌های گوناگون و چه‌بسا متعارض چگونه عمل کند و بتواند مسائل مربوط به حرفه خویش را حل کند.

سند برنامه درسی ملی معلم را به این شکل توصیف می‌کند:  
۱. در مسیر راه انبیا و ائمه اطهار(ع) اسوه‌ای امین و بصیر برای دانش‌آموزان است.

۲. با شناخت و بسط ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان و خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی، زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می‌سازد.

۳. زمینه‌ساز رشد عقلانی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش‌آموزان است.

۴. راهنما و راهبر فرایند یاددهی - یادگیری است.

۵. برای خلق فرصت‌های تربیتی و آموزشی مسئولیت‌پذیر، تدوین، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های درسی و تربیتی در سطح کلاس را برعهده دارد.

۶. یادگیرنده و پژوهشگر آموزشی و پرورشی است. همان‌گونه که در بند اول آمده است، معلم اسوه و الگوی دانش‌آموزان است. در این میان، فرمایشات نورانی و گهربار امام علی(ع)، بسیار راهگشاست:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَ لْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ سَبْرًا قَبْلَ تَأْدِيبِهِ لِبَلْسَانِهِ، وَ مَعْلِمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلِمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ»؛ آنکه خود را در جایگاه



پیشوایی مردم قرار می‌دهد باید پیش از مؤدب کردن مردم، به مؤدب کردن خود اقدام کند، و پیش از آنکه دیگران را به گفتار، ادب نماید، باید به کردارش مؤدب به آداب باشد، و آنکه خود را بیاموزد و ادب کند، به تعظیم سزاوارتر است از کسی که فقط دیگران را بیاموزد و تأدیب کند (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳). با توجه به آنچه بیان شد، معلمان باید خودشان الگوی اخلاقی باشند! که کار سختی است. بنابر فرمایش امام علی(ع)

امروزه در موارد بسیاری از علوم بین‌رشته‌ای صحبت می‌شود. یکی از این علوم، دانش اخلاق حرفه‌ای است. این

دانش از یک‌سو به اخلاق و تربیت اخلاقی افراد و از سوی دیگر به اقتصاد و تربیت حرفه‌ای آن‌ها وابسته است. با وجود تأثیرات فراوانی که

این دانش می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها داشته باشد، اما چنان‌که باید و شاید بدان پرداخته نشده است. مقایسه وضعیت اخلاق حرفه‌ای در جهان صنعتی در دو حوزه معرفتی و

اجتماعی، منزلت اخلاق حرفه‌ای در ایران باستان و جایگاه راهبردی اخلاق حرفه‌ای در آموزه‌های اسلامی، و منزلت اخلاق حرفه‌ای در تمدن اسلامی با وضعیت موجود،

بیانگر این واقعیت تلخ است که ما در توسعه اخلاق حرفه‌ای وضعیتی متناسب با شأن تاریخی خود نداریم و این در حالی است که تاریخ فرهنگی و دینی این سرزمین حامل گنج‌های گران‌بهری از میراث غنی خود در این‌باره است. رشد نیافتن اخلاق حرفه‌ای در مشاغل و سازمان‌ها و توسعه‌نیافتگی آن به‌عنوان یک دانش، عوامل فراوانی دارد که یکی از آن‌ها کم‌کاری در حوزه اخلاق پژوهی به‌طور عام و اخلاق حرفه‌ای به‌طور خاص است (قراملکی، ۱۳۸۶).

هر حرفه‌ای مجموعه پیچیده‌ای از دانش، معیارها و اخلاقیات مربوط به رسالت حرفه است و به اعتماد عمومی نیاز دارد. در این خصوص، مجموعه معیارهای اخلاقی و رفتاری به وسیله جامعه حرفه‌ای توسعه می‌یابد و اهمیت آن درک می‌شود. هر چند به نظر می‌رسد مفهوم اخلاق حرفه‌ای به حرفه‌مندی چون پزشکان، وکلا، حسابداران و مانند آنان محدود باشد، اما



# اخلاق معلمی

محمدرضا حشمتی  
معلم منطقه ۱ تهران

و بند پنجم که در بالا ذکر شد، راهنما و راهبر بودن معلم زمانی محقق می‌شود که خودش اخلاقی بیندیشد، و عمل و بیان کند. از طرف دیگر، سند برنامه‌داری ملی دانش‌آموز را به این شکل معرفی می‌کند:

۱. امانت الهی و دارای کرامت انسانی است.
۲. فطرت الهی در وجود او نهفته است و قابلیت شکوفایی و فعلیت یافتن دارد.
۳. همواره در موقعیت است و می‌تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خود در راستای اصلاح حرکت می‌کند.
۴. توانایی انتخاب، تصمیم‌گیری و خویشتن‌داری دارد و می‌تواند با محیط یادگیری، رابطه‌ی تعاملی برقرار کند و تابع بی‌چون و چرا و مقهور محیط نیست.
۵. از اراده و انگیزه برخوردار است که در فرایند یاددهی - یادگیری نقش اساسی دارد.

۶. در فرایند یاددهی - یادگیری و تربیت‌پذیری و توسعه‌ی شایستگی‌های خویش به‌لحاظ ذاتی نقش فعال دارد.

۷. دارای قابلیت‌ها، تجربیات، ظرفیت‌ها و توانایی‌های گوناگون است.

نقش الگویی معلم از سوی و راهنما و راهبر بودن او از سوی دیگر، همچنین ویژگی‌های خاص دانش‌آموزی، ضرورتی است که بر اساس آن ما معلمان باید اخلاقی رفتار کنیم. کار ما معلمان بر اساس اسناد

بالادستی، زمینه‌سازی برای رشد بر اساس عقلانیت است.

## مهم‌ترین اصول اخلاقی برای معلمان

۱. گفتار و کردار معلم با هم مطابقت دارد. معلم هر چه را می‌گوید، خودش انجام می‌دهد. به قول معروف واعظ غیر معظت نیست. اگر معلم این‌گونه نباشد، باعث می‌شود سرگشتگی ارزش پیدا کند.
۲. معلم خلاف باور خود سخن نمی‌گوید. سخن معلم باید مطابق عقیده‌اش باشد؛ چه بسا در مواردی لازم باشد سکوت کند. چرا که وقتی از من معلم می‌پرسند و من پاسخی ندارم. عقیده‌ام این است که نمی‌دانم! اما اگر شروع به پاسخ دادن کردم، در واقع خلاف باور عمل می‌کنم.
۳. هدف معلم و مربی یادگیری است نه چیز دیگر. هدف یعنی وضعی که من برای رسیدن به آن به عمل دست می‌زنم؛ خواه به هدف برسم، خواه نرسم.
۴. معلم فخرفروشی نمی‌کند. معلم باید مراقب باشد از اینکه دیگران دانش‌آموز او هستند لذت نبرد! این امر باعث ایجاد فاصله می‌شود. معلم باید مراقب باشد فخرفروشی

معلومات نداشته باشد. معلم باید مراقب باشد زمانی که در بحث با دانش‌آموزان غلبه کرده و به عبارتی پیروز شد، زبان بدنش بیانگر آثار پیروزی نباشد، چرا که اگر چنین شود، برای دانش‌آموز این تصور به‌وجود می‌آید که واقعیت مهم نیست، بلکه غلبه کردن مهم است. برعکس، معلم باید نشان دهد اگر در بحث شکست خورد، شاد است! زیرا به کمک دانش‌آموزانش به واقعیت جدیدی رسیده است. تمام تلاش ما باید حقیقت‌یابی باشد.

۵. معلم باید همیشه نقاط ضعف دانش‌آموزان را به‌لحاظ دانایی (علم و تجربه) و توانایی (فهم و تفکر) در نظر داشته باشد و بر این باور باشد که توانایی و دانایی من بیشتر از دانش‌آموزان است، پس باید شفقت

و مهربانی خود را بیشتر کنم. در اینجا نیز، زبان بدن اهمیت بسیار زیادی دارد. به تعبیر دیگر، معلم با نگاه، رفتار و لحن گفتار خود بیان کند: من از اینکه دانایی و توانایی شما کم است، در رنجم و تمام تلاشم این است که شما به سطح بالاتری از دانایی و توانایی برسید. معلم باید ترس دانش‌آموزان را از اینکه نمی‌دانند کم کند و به آن‌ها امنیت روانی و اجتماعی هدیه کند تا زمینه یادگیری بهتر مهیا شود. معلم رفتارش مانند قاضی با متهم نباشد. رفتار معلم مثل رفتار مدیر اداره با کارمند اداره نباشد.

۶. معلم باید منصفانه با همه دانش‌آموزان رفتار و سعی کند در زمینه‌های نگاه، توجه، تأیید، تشویق، بازخورد و گفت‌وگو تبعیض نداشته باشد.

۷. معلم باید مسئولیت جمعی بپذیرد و ببیزداند. معلم باید بر این باور باشد و این باور را اعلام کند که اگر یکی از شما درس را خوب فهم نمی‌کند، تقصیر همه ماست؛ من معلم و شما دوستان هم‌کلاسی. گاهی رفتار ما (دانش‌آموزان) باعث ایجاد اضطراب است. اگر در کلاس اوضاع پیشرفت درسی خوب نیست، من هم مقصر هستم، شما هم مقصرید.

۸. معلم باید دقت کند آنچه بر خود نمی‌پسندد، بر دیگران هم نپسندد. در چنین مواقعی، سعی کنیم خودمان را جای دیگری بگذاریم. به عبارت دیگر، رنجی را که تحمل نمی‌کنی، تحمیل مکن!

همکاران عزیز! دقت کنیم، تعلیم و تربیت فقط با افکار آگاهانه ما انجام نمی‌شود، بلکه با افکار ناآگاهانه ما نیز انجام می‌شود. آیا من معلمی اخلاقی هستم؟

